

داماد تبهکار برای تصاحب ارثیه پدرزنش آدمکش اجیر کرد

10 اسفند 1402

مرد جوان وقتی دریافت مادرزن، خواهرزن و همسرش تنها وارثان ارثیه نجومی خانواده هستند دو قاتل اجیر کرد تا با کشتن مادرزن و خواهرزنش، تمام اموال به همسرش برسد. این مرد طمعکار نام همسرش را نیز در لیست بعدی مرگ گذاشته بود.

ساعت 9 و 40 دقیقه صبح یکشنبه 15 بهمن، مرد جوانی به خانه نامزدش در حوالی باغ فیض رفت تا با او بیرون برود، اما ناگهان دو مرد را دید که صورت‌هایشان را با ماسک پوشانده بودند و از دیوار خانه نامزدش به کوچه پریدند. او با دیدن این صحنه با تعجب به سمت آنها رفت. مردان ناشناس که از دیدن مرد جوان غافلگیر شده بودند مدعی شدند آبگرمکن خانه طبقه چهارم خراب بوده و برای تعمیر آمده‌اند اما هنگام خروج در خانه باز نشده و آنها از دیوار پایین پریده‌اند.

از آنجا که خانه نامزد مرد جوان هم در طبقه چهارم بود و آبگرمکن آنها هیچ مشکلی نداشت همین مسأله شک مرد جوان را برانگیخت و وقتی می‌خواست با آنها درگیر شود مردان نقابدار با تهدید چاقو موفق به فرار شدند.

لحظاتی بعد با تماس مرد جوان مأموران کلانتری 140 باغ فیض پس از هماهنگی‌های لازم با بازپرس موسی رضازاده وارد خانه شدند. آنها در آشپزخانه با جسد دختر جوان و در پذیرایی با جنازه مادر او مواجه شدند. دور گردن هر دو آنها روسری پیچیده شده بود و نشان می‌داد که هر دو قربانی بر اثر خفگی جانشان را از دست داده‌اند.

نامزد دختر جوان در تحقیقات گفت: مدتی قبل با ملیکا نامزد کردم، در زمان کرونا پدرش فوت کرده بود و خواهر دیگرش مدتی بعد با مرد جوانی به نام شهاب ازدواج کرد. امروز با ملیکا تماس گرفتم و از او خواستم حاضر شود تا با هم بیرون برویم، اما زمانی که مقابل در خانه رسیدم با دو مرد ناشناس روبه‌رو شدم.

بازبینی 20 دوربین مداربسته

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی 20 دوربین مداربسته اطراف محل جنایت پرداختند. دوربین‌ها نشان می‌داد که دو مرد نقابدار از خودرو سواری پیاده شده و به خانه قربانیان رفته‌اند. با توجه به اینکه از خانه به جز گوشی‌های تلفن همراه قربانیان که آنها نیز چند خیابان آن طرف‌تر پیدا شده بودند چیزی به سرقت نرفته بود، فرضیه قتل به خاطر سرقت رنگ باخت. اما از آنجا که در ورودی سالم بوده و مردان نقابدار راحت وارد خانه شده بودند، این احتمال مطرح شد که آنها برای ساکنان خانه آشنا بوده‌اند.



ارثیه نجومی

در ادامه تحقیقات مشخص شد که پدر ملیکا مرد ثروتمندی بوده و میلیاردها تومان ملک و املاک داشته و فقط ماهی 500 میلیون تومان اجاره مغازه‌ها و املاکش بوده است. تنها وارثان او نیز دو دختر و همسرش بوده‌اند. با مرگ ملیکا و مادرش، تمامی اموال و املاک به دختر دیگر خانواده می‌رسید و همین موضوع نظر تیم جنایی را به خود جلب کرد.

از سویی بررسی‌ها نشان می‌داد که خانواده مهنوش با ازدواج او و شهاب مخالف بوده‌اند. زمانی که حساب‌های شهاب مورد بررسی قرار گرفت مشخص شد که همزمان با جنایت، مبلغ 4 میلیارد و 500 میلیون تومان از حساب او خارج و به حساب مردی به نام اکبر واریز شده است.

این در حالی بود که شهاب قبلاً رستوران داشته اما در زمان کرونا به خاطر مشکلات کاری ورشکست شده و در حال حاضر در کار خرید و فروش ملک و ماشین بود. با توجه به ورشکستگی شهاب و نیاز او به پول و از طرفی اختلافش با قربانیان و همچنین واریز مبلغ زیادی از حسابش درست بعد از جنایت، این فرضیه مطرح شد که شهاب افرادی را برای قتل‌ها اجیر کرده است.

بدین ترتیب تحقیقات روی داماد خانواده متمرکز و مشخص شد از 4 میلیارد و 500 هزار تومان، حدود 2.5 میلیارد تومان در حساب اکبر مانده و بقیه آن به حساب دو مرد جوان به نام‌های حمید و پیام واریز شده است.

حمید کارگر رستوران اکبر و پیام، کارگر مغازه جگرکی در همان حوالی بود. این در حالی بود که پیام بعد از جنایت تهران را ترک کرده و راهی زادگاهش شده بود.

با کنار هم قرار دادن تکه‌های پازلی که تیم جنایی در رابطه با قتل مادر و دختر به دست آورده بودند، مشخص شد که شهاب، اکبر، حمید و پیام در این قتل‌ها دست دارند. از آنجا که احتمال می‌رفت با دستگیری هر کدام از آنها، متهمان دیگر از ماجرا باخبر شده و متواری شوند، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران دستور اجرای عملیات دستگیری همزمان چهار متهم را صادر کرد. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت، در چهار اکیپ جداگانه متهمان را در چهار نقطه کشور

بازداشت کرده و به اداره آگاهی منتقل کردند. متهمان در مواجهه با مدارک پلیسی به قتل‌ها اعتراف کرده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

قتل در پوشش تعمیرکار



یکی از قاتلان کارگر رستورانی است که شهاب با صاحب آن دوست بود. مرد 30 ساله‌ای که هرگز تصورش را هم نمی‌کرد در ماجرای دو جنایت شناسایی و بازداشت شود.

از روز حادثه بگو؟

مقتولان شب قبل از حادثه به دامادشان گفته بودند ماشین لباسشویی خانه خراب شده است او هم به ما گفت در پوشش تعمیرکار وارد خانه شویم. ساعت حدود 9 صبح بود که زنگ طبقه چهارم را زدیم و خودمان را تعمیرکار ماشین لباسشویی معرفی کردیم. وارد ساختمان شدیم. زمانی که به واحد طبقه چهارم رسیدیم، ملیکا در را رویمان باز کرد. مادرش در اتاق خواب در حال استراحت بود. دختر جوان که نزدیک شد یکی از ما دستمان را روی دهانش گذاشتیم و دیگری هم با روسری که دور گردنش انداختیم او را خفه کردیم. بعد سراغ مادر ملیکا در اتاق خواب رفتیم و از او خواستیم برای دیدن ماشین لباسشویی به پذیرایی بیاید و به همان شیوه‌ای که ملیکا را به قتل رساندیم او را کشتیم.

چرا از دیوار فرار کردید؟

با سیستم خانه آنها آشنا نبودیم و نمی‌دانستیم که کلید در را باید از داخل واحد می‌زدیم تا بتوانیم خارج شویم. خودمان را که پشت درهای بسته دیدیم تصمیم گرفتیم از دیوار فرار کنیم.

چقدر از این جنایت گیرت آمد؟

دو میلیارد تومان سهم من و همدستم بود، البته وقت نکردیم که این پول را خرج کنیم.

چه شد وارد این ماجرا شدی؟

صاحب رستورانی که در آن کار می‌کردم، پیشنهاد را به ما داد. به خاطر نیازی که به پول داشتیم تصمیم گرفتیم این پیشنهاد و سوسه‌کننده را قبول کنیم. بعداً متوجه شدیم که شهاب با اجیر کردن ما قصد داشته

ارثیه‌ای را که به آنها رسیده تصاحب کند. آن‌طور که من شنیده‌ام، داماد خانواده می‌خواست بعد از اینکه ارثیه میلیاردي و نجومی به همسرش رسید، او را هم از سر راهش بردارد تا تمام اموالش را تصاحب کند.

مرضیه همایونی/ایران